

فرهنگ واژه ها و اصطلاحات

راجی

کوشش یهودیان همدان

فرهنگ لغات یهودیان همدان

فهرست مطالب

	عنوان
۳	زندگینامه بیژن آصف
۶	سخن سردبیر
۸	زبان کلیمیان همدان
۲۶	واژه‌های همدان
۸۸	صرف افعال



بیژن آصف

بیژن (یهودا) آصف در ۱۳۳۰ خورشیدی در یک خانواده یهودی در شهر همدان به دنیا آمد. او تحصیلات ابتدایی و متوسطه‌اش را در مدرسه آلیانس و سیکل دوم متوسط را در دبیرستان پهلوی و ابن سینا به پایان برد، سپس وارد مدرسه عالی کشاورزی همدان شد و موفق به اخذ فوق دیپلم گردید.

بیژن آصف فعالیت‌های فرهنگی را از اوان جوانی در مدرسه اتحاد آغاز نمود. او اغلب پس از پایان کلاس‌های روزانه با شرکت در گروه ادبی مدرسه در برنامه‌های شعرخوانی فعال بود. بعدها به عضویت گروه «پورات یوسف» درآمد و فعالیت‌های فرهنگی خود در امور جامعه گسترش داد. با همت وی انتقال کنیسه‌ی مدرسه اتحاد همدان به یک کنیسه‌ی نوساز در مجاورت زیارتگاه استر و مردخای صورت گرفت ضمن آنکه مسئولیت‌های این کنیسه را به مدت چهار سال شخصا عهده دار

فرهنگ لغات یهودیان همدان

بود، همچنین تعاونی مدرسه اتحاد را نیز با همیاری دوستانش پایه گذاشت. بیژن آصف در ۱۳۵۸ خورشیدی به اتفاق خانواده‌اش به تهران کوچ نمود. دیری نپایید به عضویت خانه جوانان درآمد و با تلاشی که انجام داده بود اعضای بیشتری را جذب این مرکز فرهنگی نمود، متعاقباً در سال ۱۳۶۱ به عضویت جامعه فارغ‌التحصیلان یهود پذیرفته شد. هم‌زمان در چندین سازمان فرهنگی و اجتماعی از جمله کانون پیشبرد و گروه متعهد به فرهنگ یهود به فعالیت پرداخت. سپس با همکاری نماینده کلیمیان در مجلس (خسرو ناقی) کانون فرهنگی هنری جامعه یهود را تاسیس نمود و جمعی از فرهیختگان کلیمی از جمله دکتر ابراهیم برال، دکتر بسیم برجیس، و عبدالله طالع همدانی را برای سخنرانی دعوت کرد.

او در ۱۳۷۰ خورشیدی کاندید هیئت رئیسه مجمع عمومی انتخابات انجمن کلیمیان گردید و با قبول این مسئولیت توانست بر اداره حوزه انتخابات نظارت و بر شمارش آرا و هرگونه سوال دیگر پاسخگو باشد. وی در ۱۳۸۰ با پیشنهاد زنده یاد دکتر برال کاندیدای انتخابات هیئت مدیره انجمن کلیمیان تهران شد و با کسب آرا توانست به عضویت هیئت مدیره انجمن انتخاب شود و تا ۱۳۸۴ (یک دوره) در فعالیت‌های فرهنگی سهیم بود، ضمن آنکه عضو فعال انجمن کنیسای یوسف آباد هم بود. در همین سال (۱۳۹۳ خورشیدی) بنا به دعوت هیئت مدیره بیمارستان دکتر سپیر به عنوان صاحب جمع اموال بیمارستان مشغول به همکاری گردید. بیژن آصف در راستای فعالیت‌های فرهنگی‌اش از اوایل دهه ۱۳۶۰ اقدام به جمع‌آوری مطالبی در خصوص آیین‌های مذهبی، سنت‌ها و زبان یهودیان شهر همدان نمود، نیز همچنین زندگینامه فرهیختگان یهودی ایرانی من جمله استاد سلیمان حییم و

فرهنگ لغات یهودیان همدان

استاد مرتضی خان نی داود رابه رشته تحریر در آورد، و پس از سال‌ها پژوهش و مطالعه مجموعه‌ای را تحت عنوان تاریخ شفاهی در قالب کتابی با نام «کارکاشی» یا «کارکاشی» با سرمایه خودش به چاپ رسانید، ضمن آنکه سال‌ها با نشریه افق بینا همکاری داشته و مقالات تاریخی و فرهنگی را در این نشریه ارائه نموده.

از دیگر اقدامات وی برگزاری تورهای زیارتی و سیاحتی جهت شناساندن مراکز تاریخی و مذهبی یهودیان و برگزاری برنامه‌های فرهنگی و هنری برای معرفی هنرمندان و شعرای کلیمی و نیز بزرگداشت اساتید فرهنگی یهودی ایران بوده است.

از جمله افتخاراتی که در کارنامه فرهنگی بیژن آصف به ثبت رسیده است گردآوری و نشر فرهنگ لغات یهودیان همدان می‌باشد که برای اولین بار به صورت دیجیتالی ماحصل سال‌ها کوشش وی در مرکز پژوهش‌ها و مطالعات ایرانیان یهودی توسط سامانه **7dorim** ارائه شده است.

سخن سردبیر

گوش کلیمیان همدان (زبان فهلوی) همراه با سایر گوش‌های کلیمیان ایران را باید در چهارچوب مجموعه زبان‌های جیدی یا لاتورایی مورد توجه قرار داد. این گوش‌ها که با گوش محلی سایر کلیمیان تا حدودی متفاوت است. در برخی واژه‌ها و اصطلاحات، با گوش کلیمیان کرد مشترکاتی دارد. آشنایی با چند واژه مربوط به مکالمات روزمره و خانوادگی می‌تواند تغییرات تلفظی و یا مشابهت‌های واژگانی این زبان در مقایسه با زبان فارسی را نمایان سازد. گروه گوش‌های مرکزی یا راجی و یا گوش مادی که بیشتر گوش‌های یهودیان ایران به‌ویژه در مناطق غربی چون رضائیه، همدان و کردستان را شامل می‌شود از این رو این گونه گوش‌های یهودیان (راجی) دارای مشخصات خاص و مشترکی هستند. ضمن آنکه در همدان به زبان محلی کلیمیان همدان زبان راجی گفته می‌شود.

محققین بر این باورند، زبان شکسته یا زبان لاتورایی (لوترائی) که اکثر یهودیان استرآباد در گذشته به آن آشنا بودند و احتمالاً زبان دوم آنان به شمار می‌رفته، فقط در مواقعی بین دو نفر تکلم می‌شده که دیگری (شخص غریبه) از آن چیزی نفهمد. بعدها این زبان غیر معمول به زبان زرگری معروف شد، چون حرفه بیشتر یهودیان زرگری بوده و به این زبان سخن می‌گفتند، از این رو زبان زرگری منسوب به این حرفه شده است.

ناگفته نماند زبان لاتورائی که بیشتر در بین کسبه یهودیان مرسوم بوده، با وجود آنکه از لغات آرامی و عبری شکل گرفته و به‌صورت مقطعی استفاده می‌شده، مع الوصف هرگز جایگاهی به‌عنوان حتی مشتقی از زبان عبری و توراتی نداشته،

فرهنگ لغات یهودیان همدان

هرچند که گویش لوترائی با تفاوت‌های مختصر در بین همه یهودیان ایران تلفظی یکسان داشته.

در همین راستا، مرکز پژوهش و مطالعات ایرانیان یهودی در جهت فعالیت‌های فرهنگی خود (از طریق صدا برداری) ابتدا اقدام به جمع آوری و ضبط گویش‌های رایج و متفاوت بین یهودیان ایران (شهرهای یهودی نشین) نموده است تا از این طریق گویش‌هایی که به مرور منسوخ می‌شود حفظ گردد. حال در تلاشیم با کمک دوستان اندیشمند بیشتر گویش‌های به‌جا مانده یهودیان ایران را در قالب فرهنگ لغات جمع آوری کنیم و نخست به‌صورت دیجیتالی در وبسایت **7dorim** به دوستاناران تاریخ و فرهنگ یهودیان ارائه کنیم، سپس در فرصتی مناسب در یک مجموعه تحت عنوان «فرهنگ لغات یهودیان ایران» منتشر نمایم ضمن آنکه سال‌هاست این قبیل گویش‌ها همراه با تصویر و صدا ضبط و در آرشیو وبسایت قرار داده شده است.

در اینجا وظیفه خود می‌دانم از سرکار خانم "لئا دانیالی" برای مدیریت در تنظیم و تصحیح و "مردخای امین شموئلیان" برای کارهای فنی این مجموعه که همکاری بی دریغشان را نثار نمودند سپاس دارم. نیز همچنین از همکاری دوست عزیز جناب "بیژن آصف" که قبول زحمت نموده‌اند و پیشنهاد بنده را برای جمع آوری این مجموعه، بی درنگ پذیرفتند سپاسگزارم

یوسف ستاره شناس

لس آنجلس بهار ۲۰۲۰

زبان کلیمیان همدان

زبان کلیمیان همدان فهلوی بوده که خود همان زبان دری (یا فهلوی) را تشکیل می دهد که در این زبان هنگام تلفظ واژه‌ها یا کلمات به آنها کسره می داده‌اند و خود کلیمیان به این زبان اصولاً زبان راجی می‌گفته‌اند و این زبان هنوز در خانواده‌های کلیمی همدان برقرار است البته خانواده‌های اصیل همدان چرا که بعضی از خانواده های کلیمی مهاجرین سندج و یا بیجار می‌باشند که زبان آنان کردی است. زبان کردی چنانکه قبلاً گفته شد خود از شاخه‌های زبان دری یا فهلوی یا فهلوی می باشد .

علت پیدایش و یا ابداع این زبان این بوده که اگر گفتگوی خصوصی بین دو یا چند نفر بوده و نمی‌خواستند که کسی متوجه موضوع مورد بحث صحبت گردد با این زبان با یکدیگر صحبت می‌کرده‌اند. در اینجا بعضی از کلمات را که به همین زبان است ذکر خواهیم نمود و چند جمله به عنوان نمونه آورده خواهد شد.

تَن = تِن

(در اینجا حرف ت مسکوره میباشد یعنی ت را با کسره تلفظ می‌نمایند)

مو = می

سفید = اسپید

به مو گیس هم گفته می‌شود.

پیشانی = پیشونی

بینی = دُماغ

(حرف د به صورت ضمه تلفظ می‌گردد).

فرهنگ لغات یهودیان همدان

سر = سِر

حرف س نیز با کسر تلفظ می‌گردد).

صورت یا چهره و یا رو و یا رُخ = دیم

چشم = گلاره

ابرو = ابری

آب دهان = لیل یا تُف

لب = لی

زبان = زُون (حرف ز ضمه تلفظ می‌گردد).

دندان = دندون

گلو = گلی

پهلوی = پلی

دست = دِس (حرف د به صورت کسره تلفظ می‌گردد).

ضمائر شخصی

من = مان خودم = خوچَم

تو = تو خودن = خوچَت

او = اون خودش = خوچَش

ما = ما خودمان = خومان

شما = شما خودتان = خوتان

آنها = اونا خودشان = خوشان

فرهنگ لغات یهودیان همدان

خویشاوندان

پدر = آقا ، بووا عمو = آمو

مادر = دادا شوهر = میزه

برادر = برا (حرف ب ، با کسره تلفظ می گردد) . جاری = همبو

خواهر = خا خواهر بزرگ = داچی

افراد ناتنی = اُگی (حرف الف ضمه تلفظ میشود) . برادر بزرگ = آچی

زن = جن (حرف ج فتحه تلفظ می شود) . پدر بزرگ = بابا

دائی = دای مادر بزرگ = ننه

پسر = پیر

دختر = دُت (حرف د ضمه میباشد)

والدین = آقا دادا

عروس = آریس

داماد = دوماد

فامیل عروس و داماد = قای ننه

عمه = عمه

خاله = هاله

نامزد = دسگیران (دستگیرون)

آدم = آیمی

فرهنگ لغات یهودیان همدان

اوقات

وقت = وقت

ساعت = ساعت

روز = رو

سحر = صبح زید

پیش از ظهر و ظهر و بعد از ظهر همین کلمات بدون تغییر ادا می شوند.

عصر = شوم

مغرب = وقت شوم

شب = شی

نیم شب = نصف شی

امروز = آرو

فردا = صُبْح (به ضمه ص و فتحه ب و سکون ح)

پس فردا = پَصْبَح (به فتحه پ و ضمه ص و ب فتحه ب و سکون ح)

دیروز = هِضِه (به کسره ه و کسره ض و سکون ها)

دیشب = هَضْبِشی

پریروز = پِره (به کسره پ ر)

پریشب = پِره شی

هفته = همان هفته است.

پس پریشب = پس پِره شی

یکشنبه = یی شابات

فرهنگ لغات یهودیان همدان

دوشنبه = دو شابات

سه شنبه = سه شابات

چهارشنبه = چار شابات

پنج شنبه = پن شابات (پنج شابات)

جمعه = اینه

شنبه = شابات

فصلها

بهار = بهار یا باهار

تابستان = توسون

پاییز = پاییز همان پاییز است .

زمستان = زمسون (به کسره ز و فتحه م)

سالها

امسال = ایمسال

پارسال = همان پارسال گفته میشود .

پیرارسال = همان پیرارسال میباشد .

سال دیگر = سال امی

(به کسره الف)

الان = الان

فرهنگ لغات یهودیان همدان

خورشید = اُفتو (به ضمه الف و ت)

مهتاب = مهتو

شهاب و ستاره دنباله دار = ستاره دمدار

آسمان = آسمون

حبوبات و غلات

عدس = نیجی

لوبیا = همان لوبیاست

لوبیا چیتی و لوبیا قرمز به همان شکل بیان میگردد.

لوبیا سفید = لوبیا اسپید

ماش ، باقلا ، گندم ، برنج به همین شکل بیان میگردند.

جو = جی

چای = چای نیز به همین شکل بیان می گردد.

سبزی‌ها

سبزی = سوزی (به ضمه س)

سبزی خوردن = سوزی خورتن

فلفل از هر نوع = بیور (و بصورت فتحه تلفظ می گردد)

تره = همان سوزی است

مرزه = فلفلک

شبت = شویت یا شوید (ش بحالت کسره ادا میشود)

فرهنگ لغات یهودیان همدان

ترخان = ترخون

کاهو = کای

شاهی یا ترتیزک = شای

ریواس = لیباس

بادمجان = بادنجون

گوجه فرنگی = بادنجون فرنگی

کدو = کدی

کدو مسمی = کدیجی

کدو تنبل = کدی رسمی

سیب زمینی = سُو زمینی

(به ضمه س)

صیفی جات

هندوانه = هندینه

خربزه = خربوزه

خیار چنبر = سُو خیار

خیار چنبر ریز = زیچه خیار

میوه‌های درختی

شاتوت = تیت شرابی (به کسره ش)

فرهنگ لغات یهودیان همدان

سیب = سُو (به ضمه س)

انگور = انگیر (به کسره الف)

آلبالو = آلبالی

زردآلو = قیسی

شفتالو = شافتالی

آلو = اُلی

گوجه = آلیچه

به = بی (به کسره ب)

میوه‌های خشک

گردو = یوز

بادام = وایوم

بادام پوست نازک = وایوم خانمی

پسته = فِسیه

بلوط = بلیت

کله‌ها

شقایق وحشی = گل کاس اشکینه

تاج خروس = پوک خروسی

لاله عباسی = گل فرنگی

خارشر = ورک

فرهنگ لغات یهودیان همدان

کلمات و اصطلاحی که تا اینجا بیان گردید نمونه‌هایی بود که در زبان راجی همدان تغییر می‌کرد و کلمات و یا نام‌ها به همان صورت فارسی تلفظ می‌گردد

مسکن

خانه = کیه

اطاق انباری = کیه پس ، پس کیه

چادر = چارشو

انبار = پستو

سقف اطاق = طاق

طاقچه = بالیچه

طاقچه بالا = رف

گنجه = دُولوه

شیشه پنجره = وَندیک

کنج یا گوشه = بریته

پاشنه در = گیجین

بام = بله بوم

آشپزخانه = مُدَبَق

مستراح = مَوال ، اُوریز

استخر = حیض

زیر زمین = سیزون

فرهنگ لغات یهودیان همدان

اثاثیه خانه

فرش = جُل ، قالی

رختخواب = جُلاهاف

چادر شب = مفرشی

متکا = بالش

وسائل آشپزخانه

ملاقه = کیچیز

نمک = تام

دیگ مسی بزرگ = قزقون

روغن = رُون

دیگ کوچک = تیانچه

ظروف مخصوص بو دادن = ساج

ماهی تابه = توه

ملاقه مخصوص آب = اوگردون

آبکش = ترشی بالا

جام بزرگ = بادیه

چراغ خوراک پزی = اجاق ، تندیرچی

انبر = ماقاش

هیزم = چو

فرهنگ لغات یهودیان همدان

کبریت = کرمیت

دستگیره پارچه ای = جُلد یسجیلی

قاب دستمال = دسمال قاب قُوجاق

سطل خاکروبه = آشغالدون

آشغالدانی = آنج گُوره

هاون = خوین

دسته هاون = دس خُوین

آسیاب دستی = داسر ، دَسر

زردچوبه = آلت

وسائل حمام

صابون = صابین

روشوره = دیم شوره

دلاک = کیسه کش ، دلاک

لگن = سلبچه

حوله حمام = قدیقه

سلمانی زنانه = دیم ورگیر

سایر وسائل بهمان نام نامیده می شوند.

وسائل آبدارخانه

اکثر وسائل با اسامی فارسی تلفظ می شوند به غیر از وسائل زیر:

فرهنگ لغات یهودیان همدان

کوزه سفالین : بَسی

خوردنی‌ها

غذا = آش

آش عدس و بلغور = آش نیجی بلغور

گوشت آبگوشتی = یخنی

گوشت خام = گوشت نپته

کو کو = خاکینه

کوفته نخودچی = گندی

مربا = شیره

شیره = شیره اسپید

قصابی

ساطور = ساطیر

فيله = پره سینه

پشت مازو = پشت مازی

کعب ران = ت ران

گوشت بالاتراز ران = گولی

گردن = مالح

ترازو = تِرازی

فرهنگ لغات یهودیان همدان

شکنبه = پُر کرده

کفاشی

کفش = کیش

کفاشی = کیش فروشی

کفاش = کیش دوز

لنگه کفش = تای کیش

وسائل نانوائی

تغار خمیر = لانجین خمیر

تنور غذاپزی = تندیر

کوره تنور = کنده تندیر

ازدواج

شوهر کردن = میره کرتن

خواستگاری = خازمنی

نامزدی = دسگیرونی

آرایش کردن عروس = قنچ کرتن آریس

عقد = کتیا

هلله = کیلیلی

فرهنگ لغات یهودیان همدان

زایش

زائیدن = زایان

تولد یافتن = دنیا اومی یَن

گهواره = گاخاره

بچه = وچه

بچه‌ها = وچا

پسر بچه = پیره چی

دختر بچه = دُت چی

لوازم التحریر

نوشتن = وانمِشدن

چوب قلم = چوی نیش

نوک قلم = تُک نی

صفت‌ها

خوب = خَب

بزرگ = مَعسَر

کوچک = کَسَر

تلخ = تال

گس = مِرچ

ناپاک = تامه

فرهنگ لغات یهودیان همدان

تندرست = سالم ، سلومت

دروغگو = دروجن

متبر = تاپال

بینا = وینو، چشم دارو

قیود

کجا = کووا

کی = که

آنجا = وانا

اینجا = یانا

زود = زید

مانند = مونو

رو = دیم ، دیمه

اینطور = آنطور = اُسو

فرهنگ لغات یهودیان همدان

در گویش یهودیان همدان می‌توان افعال را صرف و نحو نمود ، صرف و نحو افعال در این گویش مانند زبان فارسی و سایر زبانها دارای حالات مختلفی است . مثلاً زمان حال ، زمان ماضی یا گذشته ، ماضی مطلق ، ماضی استمراری ، ماضی نقلی ، ماضی بعید و سایر زمان‌ها . به طور نمونه فعل خوردن را در چند حالت یا زمان در ذیل صرف می‌گردد .

فعل خوردن (خورتن) در زمان حال

خِران (می‌خورم) خِریم (می‌خوریم)
خِری (می‌خوری) خِرید (می‌خورید)
خِرو (می‌خورد) خِرند (می‌خورند)

زمان گذشته (ماضی)

بمخورت	بمانخورت
بدخورت	بدانخورت
بشخورت	بشانخورت

فعل نقلی

بمخورته	بمانخورته
بدخورته	بدانخورته
بشخورته	بشانخورته

زمان بعید

بمخورته بو	بمانخورته بو
بدخورته بو	بدانخورته بو
بشخورته بو	بشانخورته بو

فرهنگ لغات یهودیان همدان

ماضی استمراری

- دارتم خورتم (داشتم مخوردم)
- دارتت خورتت (داشتی می خوردی)
- دارتش خورتش (داشت می خورد)
- دارتمان خورتمان (داشتیم مخوردیم)
- دارتتان خورتتان (داشتید می خوردید)
- دارتشان خورتشان (داشتند می خوردند)

حال استمراری

- دارام خِران (دارم می خورم)
 - داری خِری (دارد می خورد)
 - دارید خِرید (دارید می خورید)
 - دارند خِرنند (دارند می خورند)
- در مورد افعال و حالات (زمان‌های) آن و اصطلاحات کلیمیان همدان مطالب دارو خِرو (دارد می خورد) بسیار زیاد است و از حوصله این مقوله خارج است و می توان به جرأت گفت که در موارد فوق می توان یک کتاب به رشته تحریر درآورد . مطالب فوق فقط داریم خِریم (داریم می خوریم) به عنوان نمونه ذکر گردید.

در اینجا لازم است نمونه‌هایی از مکالمات روزانه آورده شود:

امشب پیش ما بیاید
امشی بیدان پیش‌هاما.
امشب ، شب موعِد (عید) است همه
دور هم هستیم
امشی، شی مادو ، همه دیر همیم.

فلانی فوت نموده است
فلونی بمرته.

بیا باهم به گورستان برویم
بور باهم بشیم بت حییم .

ساعت چند است؟
سَعَت چَندو؟

امشب نامزدی فلانی است
امشی دسگیرونی قِلُون کَسُو.

سلام ، کجا می‌روی ؟
شالوم ، گوواشی ؟

حالت خوب است ؟ چکار میکنی ؟
خبی؟ چه ی‌کری؟
(حالت خبو ، چی کری).

سلامت باشی ، عازم بازار هستم
سلومت بی ، داران شان واجار.

امروز هوا خیلی خوب است .
آرو هوا خیلی خَبُو.

زمستان چون برف نباریده است
هوا خیلی گرم خواهد شد.

زمسون برف نِشبارایه
هوا خیلی گرم و ابو.

فرهنگ لغات یهودیان همدان



Pronunciation	تلفظ همدانی	English	فارسی
oftow	أفتو	Sunlight	آفتاب
Vana oftowo	وانا افتوو	It's sunny over there	آنجا آفتابه
oftow	افتوو	Ewer	آفتابه
owe	او	Water	آب
Ov jush	أوجوش	Hot water	آب جوش
Ov limu	أولیمو	Lemmon Juice	آب لیمو
Ov anbar	أوانبار	Water Tan	آب انبار
abery	آبری	Reputation	ابرو
-Hamele abesan	حامله - آسن	pregnant	آبستن
Ov ghusht	أو گوشت	Meat Broth	آبگوشت
Ov nebat	أونبات	Candy	آب نبات
eineh	اینه	Friday	آدینه
asun	آسون	Easy	آسان
astin	آستین	Sleeve	آستین

فرهنگ لغات یهودیان همدان

Pronunciation	تلفظ همدانی	English	فارسی
asemun	آسمون	Sky	آسمان
oftovy	افتوی	Sunny	آفتابی
ashpej	آشپج	Cook	آشپز
ashpeji	آشپجی	Cooking	آشپزی
Alu-gheisy	آلو - قیسی	Plum	آلو
Aluche-aliche	آلوچه - آلی چه	Green plum	آلوچه
boomyeh	بومه	Came	آمد
vana	وانا	Over there	آنجا
Avizon-lebarva	آویزون - لبرو	Hanging	آویزان
yavash	یاواش	Slow	آهسته
asàr	آسر	Lining	آسر
Hamon ro	همون رو	Hat Day	آنروز
Ov zirekah	آو زیرکاه	Manipulative	آب زیر کاه
Dim vardajan-salmoni	دیم ورداجن - سلمونی	Hair dresser	آرایشگر زن
Salmoni_mard	سلمونی مرد	Barber	آرایشگر مرد
asiyab	آسیاب	Mill	آسیاب
Torshi bala	ترشی بالا	Sterainer	آبکش
abr	ابر	Cloud	ابر

فرهنگ لغات یهودیان همدان

Prounciation	تلفظ همدانی	English	فارسی
Hàva àbriu	هوا ابریو	It's cloudy	هواری است
Àbrishom	ابریشم	Silk	ابریشم
Jen o pàri	جن و پری	Fairies	آجنه
àrzon	ارزون	Cheap	ارزان
-Huz- estakhr jeiz	حوض، استخر، جیض	Pool	استخر
ostokhun	استخون	Bone	استخوان
ghei	قی	Vomit	استفراغ
aru	آرو	Today	امروز
emshey	امشی	To night	امشب
enar	انار	Pomegranate	انار
enghir	انگیر	Grap	انگور
yana	یانا	Here	اینجا
utoni	أتونی	This much	اینقدر
eivon	ایون	Porch	ایوان
eimon	ایمون	faith	ایمان
Keraie kie	کرایه کیه	House rent	اجاره خانه
Az gosnegi bemart	از گسنگی بمرت	He/she starved to death	از گرسنگی مرد

فرهنگ لغات یهودیان همدان

Prounciation	تلفظ همدانی	English	فارسی
Abero uno beran	آبرو اونو بران	I will humiliate HIM/Her	آبروشا می برم
Otobus dir bome	اتوبوس دیر بومه	The bus was late	اتوبوس دیر آمد
Un besh hamarte	اون بش حَمَرْتِه	He/she broke it	او شکسته
Un iana dero	اون یانا درو	He/she is here	او اینجا است
vaisaie	وایسایه	Standing	ایستاده
Un iana bu	اون یانا بو	He/she was here	او اینجا بود
Ez kie bumiie	از کیه بومیه	He/she come from home	از منزل آمده
Esm- num	اسم - نوم	Name	اسم
gomiz	گمیز	Urine	ادرار
Ov teni	اوتنی	To bathe	آب تنی
Aru yo	آرو یو	He/she will come today	امروز می آد
ein	این	This	این
Osjokhun hamarte	استخون همرته	Broken bone	استخوان شکسته
eintori	اینطوری	This way	اینطوری

فرهنگ لغات یهودیان همدان

Prounciation	تلفظ همدانی	English	فارسی
ongosht	اُنگشت	Finger	انگشت
Meil- eshteha	میل - اشتها	Appetite	اشتها
tenabi	تَنبِی	Back room	اطاق عقب
Dara- àaiun	دارا - اعیون	Wealthy	اعیان
Efade- fis	افاده - فیس	Arrogant	افاده
azar	آزار	Bother	اذیت، آلِ لا
Ez tars delam pare vabo	از ترس دلم پاره وابو	My heart tore apart from fear	از ترس دلم پاره شد
martani	مرتنی	Skinny	آدم لاغر

فرهنگ لغات یهودیان همدان



Pronunciation	تلفظ همدانی	English	فارسی
achi	آچی	Brother	برادر
Bua biyo	بوا بیو	Tell him/her to come	بگو بیاد
bejeshid	بجشید	Taste it	بچشید
Khabtarin-beytarin	خب ترین - بیترین	The best	بهترین
Veghe jishesh karte	وجه جیشش کرته	The child peed	بچه جیش کرده
Beshe gomabi	بشه گمابی	Get lost	برو گم شو
Bal zemin	بل زمین	Put it down	بگذار زمین
varchian	ورچین	To gather up	برچیدن
bar jan	براجن	Brother- In law (wife's brother)	برادر زن

فرهنگ لغات یهودیان همدان

Prounciation	تلفظ همدانی	English	فارسی
Aji mire	آجی میره	Brother – In law (husband	برادر شوهر
beshe	بشه	Go	برو
beshbard	بشبرد	He/she took it	برد
beshid	بشید	He/she out it	برید
hiz	هیز	Evil eye	بد چشم
Bad rozegaryo	بد روز گاریو	Misfortune	بد روز گاری
Darkafte biroon	در کفته بیرون	Fell out	بیرون افتاده
Bizaon- lal	بی زبون – لال	Not talkative	بی زبان
bishtar	بیشتر	More	بیشتر
binum	بی نوم	Name less	بی نام
Oryon-lokht	عریون – لخت	Naked	برهنه
baso	بسو	Enough	بس
heni	هنی	Sit down	بشین
bune	بونه	Excuse	بهانه
Bi eimon-lamazhab	بی ایمون، لامذهب	Unbeliever	بی ایمان
baron	بارون	Rain	باران
bad	باد	Wind	باد
Bad yo	باد یو	Windy	باد می آید

فرهنگ لغات یهودیان همدان

Pronunciation	تلفظ همدانی	English	فارسی
vajar	واجار	Market	بازار
hede	هده	Give it	بده
vakàrtàn	واکرتن	Go open	باز کردن
Vash kàrt	واش کرت	He/she opened	باز کرد
karoo	کارو	most	باید
barf	برف	Snow	برف
Bova besho	بووا بشو	Tell him/her to go away	بگو بره
dorus	دروس	Sleep	بخواب
dorusid	دروسید	Go to sleep	بخوابید
Be shesh buva	بشش بوا	Tell him/her	به او بگو
Bashe kie	بشه کیه	Go home	برو منزل
bar	بار	Give it	بیاور
Vargir o beshe	ورگیر و بشه	Take it and leave	بردار و برو
Baraie oun	برای اون	For him/her	برای او
bad	بد	Bad	بد
Khabtar	خب تر	Better	بهتر
bargh	برق	Horn	برق
maàsar	مَعَسَر	Big/large	بزرگ

فرهنگ لغات یهودیان همدان

Pronunciation	تلفظ همدانی	English	فارسی
Bolandabi beshe	بلندابی بشه	Get up and leave	بلند شو و برو
vache	وچه	Child	بچه
Dime miz	دیمه میز	On the table	بالای میز
Bi haya	بی حیا	Shameless	بی حیا
khabu	خبو	Let it be	باشد
vachechi	وچه چی	Little kid	بچه کوچک
badnum	بد نوم	In famous	بدنام
balg	بلگ	Leaf	برگ
Neshe vana	نشه وانا	Come back	برگرد
hamer	حَمَر	Break it	بشکن
Balad du	بلد دو	He/she know	بلد است
Balad ney	بلد نی	He/she doesn't know	بلد نیست
bamber	بمیر	Die	بمیر
bova	بووا	Say	بگو
buor	بور	Come	بیا
badbezan	باد بزن	Hand – held fan	بادبزن
bive	بیوه	Widow	بیوه
Badum-vayom	بادوم - وایوم	Almond	بادام

فرهنگ لغات یهودیان همدان

Pronunciation	تلفظ همدانی	English	فارسی
Vajarche	واجارچه	A small market	بازارچه
DobareBumiye	دوباره بومیه	Return	بازگشت
nedar	ندار	Penniless	بی پول
Bi haya	بی حیا	UngrcatFul	بی چشم و رو
bikhovi	بی خوی	Insomnia	بی خوابی
bidardesar	بی دردسر	Without any Issues	بی دردسر
shelakhete	شلخته	Clumsy/inept	بی دست و پا
lamasab	لامصب	Not religious	بی دین
bikar	بیکار	Unemployed	بیکار
Maze nedaro	مزه ندارو	Tasteless	بی مزه
bihoshi	بی هوشی	Unconciouss	بی هوشی
Baraye man goshdar	برای مان گوشدار	Keep it for me	برای من نگه دار
Man shoma ra nashnasan	مان شمارا نشناسان	I don't know you	بنده شما را نمی شناسم
Beyadam naiu	یادم نیو	I don't remember	بخاطرم نمی آید
Beyadam bume	یادم بومه	I remembered	بخاطرم آمد

فرهنگ لغات یهودیان همدان

Prounciation	تلفظ همدانی	English	فارسی
Vache dorofte	وچه دُرُفْتِه	The child is sleeping	بچه خوابیده
Beshe bal eigash	بشه بل ایگاش	Go and put it back in its place	برو جاش بگذار
Bem bakht	بم باخت	I lost	بازنده شدم
Bagh	باغ	Garden	بوستان

فرهنگ لغات یهودیان همدان



Pronunciation	تلفظ همدانی	English	فارسی
piran	پیرهن	Shirt	پیراهن
jir	جیر	Down	پائین
Poshte bum - balebum	پشت بوم - بلبوم	Roof	پشت بام
Besh pchiyaye bu	بش پچیا یه بو	It was cooked	پخته بود
bovam	بو وام	My father	پدرم
baba	بابا	Grand father	پدر بزرگ
Bovaie mire	بووای میره	Father in low (husband's dad)	پدر شوهر
pire	پیره	That boy	پسره
Bem pokht- bem pachiya	بم پخت - بم پچیا	I cooked	پختم
Besh pachiyaye	بش پچی یایه	It's cooked	پخته شد

فرهنگ لغات یهودیان همدان

Prounciation	تلفظ همدانی	English	فارسی
bepach	بیچ	Cook it	پز
Bovai jan	بوای جن	Father in law (wiife's dad)	پدر زن
bepara	پپرا	It jumped	پرید
pere	پره	The day before yesterday	پریروز
Peydam kart	پیدام کرت	I find it	پیدا کردم
passobah	پَصْبَح	the day after tomorrow	پس فردا
pil	پیل	Money/cash	پول
pisayegi	پیسایگی	Worn out	پوسیدگی
Besh pusaye	بش پوسایه	It's been worn out	پوسیده شده
pahli	پهلی	Side	پهلو
pirjan	پیرجن	Old woman	پیرزن
pirmard	پیر مرد	Old man	پیر مرد
pàjayàn	پجاین	To cook	پختن
Beshpàkhte- beshpate- pakhto	بشپخته - بشپته - پختو	It's cooked	پخته
piramu	پیرآمو	Male cousin	پسر عمو
pirame	پیر عمه	Male cousin	پسر عمه

فرهنگ لغات یهودیان همدان

Pronunciation	تلفظ همدانی	English	فارسی
peston	پستون	Breast	پستان
Penhune-yavashaki	پنهونه ، یواشکی	In secret	پنهانی
Pa jadan	پا جدن	To pedal/ to kick	پا زدن
Pa Oryon	پا عریون	Barefoot	پابرهنه
palon	پالون	Pack saddle	پالان
shareh	شره	Old cloth	پارچه کهنه
pare shi	پَرِ شی	Night a go	پریشب
pare	پاره	Torn	پاره
parishon	پریشون	distressed	پریشان
Hichi narzo	هیچی نرزو	It's not worth anything	پشیزی نمی ارزد
panir	پنیر	Cheese	پنیر
Khocham poshdema kharan	خوچم پشده خاران	I scratch my own back	پشت خودم را میخارانم
Darkaft paiin	درکفت پایین	It fell down	پائین افتاد
Pilesh hede	پیش هده	Give him/her money	پول بهش بده

فرهنگ لغات یهودیان همدان



Pronunciation	تلفظ همدانی	English	فارسی
tit	تیت	Berry	توت
Towma boo	توما بو	It's finished	تمام شد
Tar jan	تارجن	Tar player (Tarist)	تارزن
torshi	ترشی	Pickled veggies	ترشی
tarazi	ترازی	Scale	ترازو
Tab- ti	تب - تی	Fever	تب
Ti dar	تی دار	Feverish	تب دار
Tokhme kedi	تخم کدی	Pumpkin seed	تخم کدو
Tamome dota	تموم دوتا	All the girls	تمام دخترها
Top bazi	توپ بازی	Ball game	توپ بازی
tiz	تیز	Sharp	تیز
towsoon	توسون	Summer	تابستان
towsooni	توسونیی	Summery	تابستانی

فرهنگ لغات یهودیان همدان

Prounciation	تلفظ همدانی	English	فارسی
tove	تووه	Frying pan	تاوه
Tajhe-no	تاژه-نو	Fresh	تازه
jarime	جریمه	Penalty; punishment	تاوان
Tokhme hendine	تخم هندینه	Water melon – seed	تخم هندوانه
toshak	تشک	Mattress	تشک
tafsir	تفسیر	Commentary	تفسیر
talefon	تلفن	Telephone	تلفن
ziyad	زیاد	Arrongance	تکثیر
tal	تال	Bitter	تلخ
Tanghie- amale	تنقیه - اماله	Enema	تنقیه
tandir	تندیر	Clay oven	تنور
tanhaii	تنهایی	Solitnde	تنهایی
tarik	تاریک	Dark	تاریک
tarso	ترسو	Timid	ترسو
tarsaie	ترسایه	He/she got scared	ترسیده
torshaie	ترشایه	Fermented turned sour	ترشیده
beterekaie	بترکایه	Burst:exploded	ترکیده

فرهنگ لغات یهودیان همدان

Pronunciation	تلفظ همدانی	English	فارسی
Tokhme kork- tokhme morgh	تخم کرک تخم مرغ	Egg	تخم مرغ
tenow- rismoon	طنو- رسیمون	Rope	طناب
raf	رف	Shelf	تاقچه

ج

Pronunciation	تلفظ همدانی	English	فارسی
jurab	جوراب	Socks	جوراب
jushaie	جوشایه	Boiled	جوشیده
bejusha	بجوشا	I came to a boil	جوشید
Iga- be iga	ایگا - به ایگا	Misplaced	جا به جا
jije	جی جه	Chik	جوجه
eine	اینه	Friday	جمعه
Jije khorus	جی جه خروس	Young rooster	جوجه خروس
Juy ov	جوی او	Narrow stream	جوی آب
iga	ایگا	Place; space	جا
Iga dar	ایگا دار	Spacious	جا دار
Iga bemunde	ایگا بمونده	Left behind	جا مانده
Jushanie-jushaye	جوشانیه، جوشایه	Boiled	جوشانده
Jade-jääde	جاده - جعهده	Road	جاده

فرهنگ لغات یهودیان همدان

Pronunciation	تلفظ همدانی	English	فارسی
Igai pa	ایگای پا	Foot step	چاپا
junevar	جونور	Animal	جانور
jad	جد	Ancestor	جد
Jend o peri	جن و پری	Jinn; genie	جن
jush	جوش	Boil	جوش
Jahaz-jahizie	جاهاز - جهیزیه	Dowry	جهیزیه
jasis	جاسیس	Spy	جاسوس
jasisi	جاسیسی	Espionage	جاسوسی
bejonba	بجنبا	It moved	جنبید
varchin	ورچین	Separate them	جدا کن

چ

Pronunciation	تلفظ همدانی	English	فارسی
O so	او سو	As such, thus	چنین
Chagho tiz kon	چاقو تیز کن	Knife sharpener	چاقو تیز کن
charshi	چارشی	Female cloak	چادر
choo	چو	Wood	چوب
Choo kari	چوکاری	Wood work	چوب کاری
Char shabat	چارشابات	Wednesday	چهارشنبه
bechasbaye	بچسبایه	Attached	چسبیده
Fekr nakran cheshmam ow nakhero	فکر نکران چشم او نخرو	I have little hope that it will	چشم آب نمی خورد
charkh	چرخ	Wheel	چرخ
chone	چونه	Chin	چانه
cheghadr	چقدر	How much	چقدر
key	کی	when	چه وقت

ح

Pronunciation	تلفظ همدانی	English	فارسی
Harom- asor	حروم - آسور	Prohibited for bidden	حرام
hasid	حسید	Jealous	حسود
hasidi	حسیدی	Jealousy	حسودی
junevar	جونور	Animal	حیوان
hamele	حامله	Pregnant	حامله
hamum	حموم	Bath/shower	حمام
Halem badoo	حالم بدو - حالم بهمش خورت	I felt disgusted	حالم به هم خورد
Harf nejen	حرف نجن	Don't speak	حرف نزن

فرهنگ لغات یهودیان همدان

خ

Pronunciation	تلفظ همدانی	English	فارسی
khuv	خو	Sleep	خواب
Dachi-kha	داچی - خا	Sister	خواهر
Khovu- khuv deru - dorofteh	خوؤ - خو درو - درفته	Sleeping	خوابیده
ziyad	زیاد	A lot/too much	خیلی
kharbize	خربیزه	Melon	خربزه
beskhorte	بشخورته	He/she ate	خورده
Kha jan	خوا جن	Sister in lain (wife's sister)	خواهر زن
vayan	وایان	I will say if	خواهم گفت
khorus	خروس	Rooster	خروس
Khar- tigh	خار - تیغ	Thorn	خار - تیغ
khin	خین	Blood	خون
Khin khar	خین خوار	Blood thirsty vampire	خونخوار
Khin rizi	خین ریزی	Bloodshed	خونریزی

فرهنگ لغات یهودیان همدان

Pronunciation	تلفظ همدانی	English	فارسی
Khin marte	خین مرته	Bruised	خون مرده
Kharid kartan-heshgaftan	خرید کرتن - هشگفتن	To buy	خریدن
khastoo	خستو	Tired	خسته
Beshkhoft-e- khuv beshte	بشخفته - خو بشته	He/she fell asleep	خواب رفته
khasegar	خواسگار	ssuitor	خواستگار
khana	خوانا	Legible	خوانا
khàb	خب	Good	خوب
khàbi	خبی	Goodness, kindness	خوبی
kham	خام - نپتو	Raw	خام
napetu	کیه	House	خانه
khirde	خیرده	Little by little	خرده - خرده
Pil- kharji	پیل - خر جی	Expenses	خر جی
kharpil	خر پیل	Well off, wealthy	خر پول
kharchang	خر چنگ	Jobster	خر چنگ
khafe	خفه	Suffocate	خفه
Dahan dare	دهن دره	Yawn	خمیازه
khoshgel	خوشگل	Beautiful	خوشگل
khuk	خوک	Pig	خوک

فرهنگ لغات یهودیان همدان

Pronunciation	تلفظ همدانی	English	فارسی
Kharej vabiye	خارج وایبه	Has exited	خارج شده
Hashem-adunay	هشم - ادونای	God	خدا
Khoda rahmatesh keru	خدا رحمتش کرو	May he/she rest in peacc	خدا بیامرزدش
Khoda biyamorz	خدا بیامرز	God bless his soul blissed	خدا بیامرز
Khteretan asude bi	خاطر تان آسوده بی	Rest assured	خاطر شما آسوده باشه
Khirde hesab	خیرده حساب	A little amount due unsettled	خرده حساب
Mila kokun	میلا کنون	Ireumciston	ختنه سوران
khorma	خرما	Date (S)	خرما
Olagh-khar	الاغ - خر	Donkey	خر
Kharid-hashgaftan	خرید - هاشگفتن	He/she purchased	خرید
Khak riji	خاک ریجی	Pouring sand ssoil	خاک ریزی
Kherab- virun	خراب - ویرون	Damaged, ruined	خراب
Ov az dasesh nacheku	اواز دسش نچکو	Stingy, miser	خسیس
Khate abri	خط ابری	Eye brow line	خط ابرو

فرهنگ لغات یهودیان همدان

Pronunciation	تلفظ همدانی	English	فارسی
Khaterman jamäo	خاطرمان جمعو	I am sure	خاطر من جمع است
Khagine- koko	خاگینه، کو کو	Persian – hashbrowns	خاگینه، کو کو
Khat heshdaye	خط هشدایه	God given	خط داده
kharji	خرجی	Expense	خرجی
vchegi	وچه گی	Child hood	خردسالی
Khirde ostokhun	خیرده استخون	Shards of bone	خورده استخوان
bekhanda	بخندا	He/she is laughed	خندید
Khov bem di	خو بم دی	I dreamt	خواب دیدم
Besh khoftē (daro vefte)	بش خفته (دروفته)	He/she is sleeping	خوابیده
Khov beshte	خو بشته	Fell a sleep	خواب رفته
Khorak pachi	خوراک پچی	Cooking	خوراک پزی
Ziyad kar daran	زیاد کار داران	I have a lot to do	خیلی کار دارم
Kheyli gerunu	خیلی گرونو	It's very expensive	خیلی گرام است
khakestar	خاکستر	Ashes	خاکستر
Kheyli harf jhenu	خیلی حرف ژنو	He/she is talk active	خیلی حرف می زند

فرهنگ لغات یهودیان همدان

Khoda gushdar

حد-ا گوشدار

My god
protect you

خدانگهدار

فرهنگ لغات یهودیان همدان



Pronunciation	تلفظ همدانی	English	فارسی
dot	دت	Daughter, girl	دختر
Daru sho	دارو شو	He/she is	داره میره
Darbe kiye	درب کیه	Front door	درب خانه
heze	هزه	Yesterday	دیروز
Doru vayo	درو وایو	He/she is lying	دروغ میگه
Velesh ker	ولشن کر	Let it go	دست بردار
dokun	دکون	Shop, store	دکان
Del sute	دل سوته	Broken hearted	دل سوخته
Del suji	دلسوجی	Pity, sympothize	دلسوزی
Dir bume	دیر بومه	He/she come late	دیر آمد
dahan	دهن	Mouth	دهان
dagh	داغ	Mouth burning	دهن سوز
hezbishey	هز بیشی	Last night	دیشب
digh	دیگ	Opt	دیگ

فرهنگ لغات یهودیان همدان

Pronunciation	تلفظ همدانی	English	فارسی
docharkhe	دو چرخه	Bicycle	دو چرخه
khoh	خل	Crazy/insane	دیوانه
emin	امین	Another	دیگر
Baso harf nejen	بسو حرف نجن	Stop talking	دیگر حرف نزن
dard	درد	Pain	درد
Dasam dard kero	دسم درد کرو	He/she is leaving	دستم درد میکنه
daäva	دعوا	Fight/quarrel	دعوا
Dot chi	دت چی	Little girl	دختر کوچولو
Dar basto	دربستو	Closed door	دربسته
Dar beshtegi	در بشتگی	Dislocation	در رفتگی
Doru jan	درو جن	Lier	دروغگو
Dar beshte	در بشته	He/she ran away	در رفته
Doru jani	درو جنی	pretending	درو فکی
dozd	دزد	Thief	دزد
das	دس	Hand	دست
gushdar	گوشدار	Have it	داشته باش
daran	داران	I have	دارم
dumad	دوماد	Groom	داماد

فرهنگ لغات یهودیان همدان

Pronunciation	تلفظ همدانی	English	فارسی
zunan	زونان	I know	می دانم
darvaze	دروازه	Gate	دروازه
duru	دورو	Lie	دروغ
Nefrin-fohsh doshnoom	نفرین - دشنوم	To curse, To insult	دشنام
divar	دیوار	Wall	دیوار
Dahan suz	دهن سوز	Hot	داغ
degh	دق	To die of sorrow	دق
mila	میلا	Renis/dick	دول
servatmand	ثروتمند	Needy	دست به دهان
beshdiye	بشدیه	he/she saw	دید
dukht	دوخت	He/she sewed	دوخت
Delem bephsa	دلم بیپسا	I'm bored	دلم پوسید
Dan dare	دن دره	Yawn	دهن دره - خمیازه
Dastam kharu	دسم خارو	My hand is itching	دستم میخارد

فرهنگ لغات یهودیان همدان



Pronunciation	تلفظ همدانی	English	فارسی
beresaye	برسایه	Ripe/arrived	رسیده
besjde	بشده	Gone	رفته
beyshe	بیشو	Went	رفت
beshtim	بشتیم	We went	رفتیم
Ri be ri	ری به ری	Face to face across each	روبرو
besdam	بشدام	I left/ I went	رفتم
ru	رو	Day	روز
ruzegar	روزگار	Time / days	روزگار
ruznume	روزنومه	News paper	روزنامه
Dime ham beshde	دیم هم بشده	Overall altogether	روی هم رفته
beshria	بشریجا	It spilled	ریخته شد
run	رون	Thigh	ران
berasa	برسا	It has arrived	رسید

فرهنگ لغات یهودیان همدان

Prounciation	تلفظ همدانی	English	فارسی
reshve	رشوه	Bribe	رشوه
riseri	ری سری	Scarf	روسری
taänit	تعنیت	Fasting	روزه
Ye ru emin	یه رو امین	Another day	یک روز دیگر
Har ru	هر رو	Day by day	روز بروز

فرهنگ لغات یهودیان همدان

ز

Pronunciation	تلفظ همدانی	English	فارسی
zanbir	زنبیر	Bee	زنبور
Zidi bur kiye	زیدی بور کیه	Come home soon	زود بیا خانه
Zid beshe	زید بشه	Leave early, go soon	زود برو
Ziyad harf nejen	زیاد حرف نجن	Doa't talk too much	زیاد حرف نزن
zardali	زدالی	Apricot	زرد آلو
jirshalvari	جیر شلواری	Underpants	زیر شلواری
jandegi	جندگی	Life	زندگی
Zid beshu	زید بیشو	He/she left early	زود رفت
Besh zaye	بش زایه	She gaved birth, she ddelivered a	زائیده
Jir dasti	جیر دستی	Writing pad subordination	زیر دستی
jande	جنده	Alive	زنده

فرهنگ لغات یهودیان همدان

Prounciation	تلفظ همدانی	English	فارسی
Jan dust	جن دوست	A man who loves his wife	زن دوست
Delesh khoshu	دلش خوشو	Young at heart	زنده دل
Jan amo	جن آمو	Aunt, (wife of pattern uncle)	زن عامو
Zang najan	زنگ نجن	Don't ring don't call	زنگ نزن
zid	زید	Early / soon	زود
Zid bumeäi	زید بومیی	You are early	زود آمدی
Jir owe	جیر او	Under water	زیر آب
Zani dard	زانی درد	Knee pain	زانو درد
jayan	جین	Hitting, to hit	زدن
Alat zardcheva-zard chube	آلت زرد چواه- زرد چوبه	Turmeric	زرد چوبه
zardak	زردک	Carrot	زردک
Zarde kark	زرده کرک	Egg yolk	زرد تخم مرغ
zargar	زرگر	Goldsmith	زرگر
jan	ژن (جن)	Woman	زن
janoone	جنونه	Feminine	زنانه
Jan bua	جن بووا	Step mother	زن پدر
seyzan	سیزان	Basement	زیر زمین
zalu	زالو	leech	زالو

فرهنگ لغات یهودیان همدان

Prounciation	تلفظ همدانی	English	فارسی
zejr	زجر	Torture, torment	زجر
zard	زرد	Yellow	زرد
Zahrem betereka	زهرم بترکا	I got scared I got frighten	زهره ترک شدم
Mortani yu	مرتنی یو	He/she is worn out	زوارش در رفته
Jir korsi	جیر کرسی	Under heated blanket	زیر کرسی
Zirtar bazi ker	زیرتر بازی کر	Hustle / hustle	زودتر بازی کن

فرهنگ لغات یهودیان همدان

س

Pronunciation	تلفظ همدانی	English	فارسی
soteh	سوته	Burnt	سوخته
Sard vabiye	سرد وابه	Turned cold	سرد شده
soragh	سراغ	Hole	سراغ
amunat	امونت	Entrust to some one	سپرده
souz	سوز	Green	سبز
sovidan	سويدن	To scrub	ساییدن
Besh sakhte bu	بش ساخته بو	He/she build it	ساخته بود
souzi	سوزی	Green herbs	سبزی
keleb	کلب	Dog	سگ
siz	سيز	Draft	سوز
suw	سو	Apple	سیب
Size barf	سيز برف	Cold draft of snow	سوز برف
sorfe	سرفه	Couch	سرفه
sovzemini	سوزه مینی	Potato	سیب زمینی

فرهنگ لغات یهودیان همدان

Pronunciation	تلفظ همدانی	English	فارسی
Lebar- sarnegin	لبر - سرنگین	Over turned, down ward	سرنگون
sukhtegi	سوختگی	A burn	سوختگی
sergushdar	سر گوشدار	Secret-keeper	سرنگهدار
laalini	لعلینی	pottery	سفال
susk	سوسک	Cook roach	سوسک
Sobhe zid	صبح زید	Dawn	سحر
sarajiri	سراجیری	Down hill	سرازیری
sorkhab	سرخاب	Blush used for make up	سرخاب
sard	سرد	Cold	سرد
sarghofli	سرقفلی	Key – money	سرقفلی
serke	سرکه	Vinegar	سرکه
sarma	سرما	Cold weather	سرما
salàk	سالک	Boil, skin infection	سالک
espid	اسپید	White color	رنگ سفید
mirigh	میریق	Cancer	سرطان
alak	الک	Sieve	سرنده
Tond- zid	تند - زید	Fast	سریع
satl	سطل	Bucket	سطل

فرهنگ لغات یهودیان همدان

Prounciation	تلفظ همدانی	English	فارسی
salumati	سلومتی	Cheers, to life	به سلامتی
darzan	در زن	Needle	سوزن
Sine pahli- zatolriye	سینه پهلوی - ذات الریه	Sine paly	سینه پهلوی
Sir vabiam	سیر وایام	I'm full	سیر شدم
beshpord	بشپرد	He/she entrusted	سپرد
satl	سطل	Leather bucket	سطل چرمی
saàt	ساعت	clock	ساعت
Sili- chak	سیلی - چک	Slap in the face	سیلی - چک
Sar bisho	سر بیشو	It boiled over	سر رفت
Sar gije	سر گیجه	Dizzy, dizziness	سر گیجه
Sod sotak	سود سوتک	A whistle	سوت سوتک
sarnegin	سرنگین	To turn upside down, to be over	سرنگون شه

فرهنگ لغات یهودیان همدان

ش

Pronunciation	تلفظ همدانی	English	فارسی
godan	گودان	You want	شما میخواستید
Shoma zonidan	شما ذونیدان؟	You know	شما می دانید؟
Shoma karoobezoonid	شما کارو بدونید	You most know	شما باید بدانید
Shoma che kar kerid	شما چه کار کردید	What are you doing	شما چه می کنید
shepesh	شپش	Head lice	شپش
Besh hemert	بش حمرت	Broke	شکست
Kha mire	خا میره	Brother in law (sister's husband)	شوهر خواهر
shei	شی	Night	شب
sharbat	شربت	Syrup	شربت
mire	میره	Husband	شوهر
shalvar	شلوار	Pants	شلوار

فرهنگ لغات یهودیان همدان

Prounciation	تلفظ همدانی	English	فارسی
yayn	یاین	Wine	شراب
shone	شونه	Comb	شانه
shayeæ	شایعه	Rumor gossip	شایعه
Zajr-shekanje	ضجر - شکنجه	Torture	شکنجه
shabat	شابات	Saturday	شنبه
satan	ساطان	Devil/satan	شیطان
Shei o ru	شی و رو	Night and day	شب و روز
satuni	ساطونی	Mischief	شیطونی
shostan	شستن	To wash	شستن
gondi	گندی	Persian meat balls	شفته برنجی
Shoma yana bemunid	شما یا نا بمونید	You stay here	شما اینجا بمانید

ص

Pronunciation	تلفظ همدانی	English	فارسی
Sohbat kartan-harf jeyan	صحبت کرتن - حرف جین	To speak, to talk	صحبت کردن
sohbatesh kart	صحبتش کرت	He/she spoke	صحبت کرد
surati	صورتی	Pink	صورتی
sabin	صابین	Soap	صابون
sobah	صبح	Morning	صبح
Ru-dim	رو- دیم	Face	صورت
sedagha	صداقا	Donation, charity	صدقه
sahab	صحاب	Owner	صاحب
Sahab marte	صحاب مرته	Ownerless	صاحب مرده
Sahab kar	صحاب کار -	Boss	صاحب کار
sabr	صبر	Patience	صبر

ع

Pronunciation	تلفظ همدانی	English	فارسی
atse	عطسه	Sneeze	عطسه
shum	شوم	Evening	عصر
bakhshayesh	بخشایش	Pardon	عفو
amo	آمو	Uncle (dad's brother)	عمو
ame	عمه	Aunt (dad's sister)	عمه
arisi	آریسی	wedding	عروسی
aris	آریس	Bride	عروس
shekhar	شخار	Alcohol	عرق
Tefigh khundan	تفیلا خوندن	Prayer	عبادت
aghl	عقل	Intelleet, wisdom	عقل
ketuba	کتوبا	Marriage contract	عقدنامه
aks	عکس	Photo/picture	عکس

فرهنگ لغات یهودیان همدان

Prounciation	تلفظ همدانی	English	فارسی
moed	موعد	Holiday	عید
Moede suka	موعد سوکا	Jewish holiday of sukkah	عید سوکا
Lokht- uoriun	لخت - عریون	Nude/naked	عریان
asabuni	عصبونی	Angry	عصبانی
abas	عبث	Pointless	عبث
gheliz	غلیظ	thick	غلیظ

فرهنگ لغات یهودیان همدان

ف

Pronunciation	تلفظ همدانی	English	فارسی
sobah	صبح	Tomorrow	فردا
befahma	بفهما	He/she understand	فهمید
fetne	فتنه	A revolt, conspiracy	فتنه
farsakh	فرسخ	A measure of distance equal to,	فرسخ
ferashain	فراشاین	To sell	فروختن
Besh ferate	بش فراته	What'ss been sold	فروخته
Besh ferat	بش فرات	He/she sold it	فروخت
Sabah sho	صبح شو	He/she will go tomorrow	فردا می رود
poulak	پولک	Fish scales	فلس ماهی
Feramushem kerte	فراموشم کرده	I forget	فراموش کردم
martan	مرتن	To die	فوت کردن

فرهنگ لغات یهودیان همدان

Prounciation	تلفظ همدانی	English	فارسی
fahm	فهم	Know ledge	فهم
eflij	افلیج	Paralyzed	فلج
fereshte	فرشته	Angle	فرشته
geda	گدا	Poor	فقیر
Martan- fot	فوت - مرتن	Blow of the mouth	فوت
vaght	وقت	Opportunity	فرصت
Faheshe-jende	فاحشه - جنده	Prostiude	فاحشه
Besh resunde	بش رسونده	He/she sent it	فرستاده
fozul	فضول	Nosy	فضول
Farar ker	فرار کر	Run away	فرار کن
Fararesh kerte	فرارش کرده	He/she escaped	فرار کرده
Feshare khin	فشار خین	Blood pressure	فشار خون

ق

Pronunciation	تلفظ همدانی	English	فارسی
ghasam	قسم	Swear	قسم
ghofl	قفل	A lock	قفل
ghors	قرص	Pill / tablet	قرص
ghelghelak	قلقلک	Tickle	قلقلک
Gush bahun giru	گوش بهونه گیروو	The intent to complian	قصد بهانه گرفتن
Ghorbunet besham	قربونت بشام	I die for you	قربانت بروم
Nazuno rah beshu	نزونو راه بشو	He/she can't move	قادر به حرکت نیست
tabid	تایید	Snatched it	تایید
Ghayem mushak	قایم موشک	Hide and seek	قایم موشک
Ghebil bu	قبیل بو	He/she was accepted	قبول شد
guor	گور	Grave	قبر
ghabili	قبیلی	Acceptance	قبولی

فرهنگ لغات یهودیان همدان

Prounciation	تلفظ همدانی	English	فارسی
ghapun	قپون	Scale for heasuring weight	قیان
Dasti- gharzi	دستی - قرضی	Something borrowed	قرضی
ghlyun	قلیون	Hookan	قلیان
gheychi	قیچی	Scissors	قیچی
Ghahve kheru	قهوه خرو	He worrics himself bitterly	قهوه می خورد

فرهنگ لغات یهودیان همدان

ک

Pronunciation	تلفظ همدانی	English	فارسی
kasar	کسر	Small	کوچک
Kam harf bejen	کم حرف بجن	Don't talk too much	کم حرف بزنن
Kova deru	کو وا درو	Where is it	کجا است؟
kafgir	کفگیر	Large serving spoon	کفگیر
kedî	کدی	Pumpkin	کدو
kebrit	کبریت	Matchstick	کبریت
kapsh	کپش	Shoes	کفش
Giche-kesar	گیچه - کسر	Alley	کوچه
beshkasht	بشکاشت	Planted	کاشت
Keliche-goluche	کلیچه - گلوچه	Persian - cookies	کلوچه
kelid	کلید	Key	کلید
kam	کم	A little	کم
Kam kam	کم کم	Little by little	کم کم

فرهنگ لغات یهودیان همدان

Pronunciation	تلفظ همدانی	English	فارسی
Kuo kuo khagineh	کو کو - خاگینه	Persian – hash browns	کو کو
kay	کای	Lettuce	کاهو
kuva	کوا	Where	کجا
Kuva bedashte	کوا بدشته	Where did you put it	کجا گذاشتی
cherk	چرک	Dirty	کثیف
kamo	کمو	It's not enough	کمه
kerm	کرم	Worm	کرم
karvansara	کارونسرا	Road inn	کاروانسرا
beshkashte	بشکاشته	They planted it	کاشته
Kanif- kohne	کنیف - کهنه	Diapers	کهنه بچه
zaoo	زائو	Midwife	کسی که می زائید
Lokht- äur	لخت - عور	Nake ass	کون برهنه
kien	کین	Ass , but	کون، نشیمنگاه
kuodan	کودن	Full, retard stupid	کودن
Kar az karesh beshhashteh	کار از کار بشہشتہ	It's too late	کار از کار گذشته
Karesh kharabu	کارش خرابو	He is in trouble	کارش خراب است

فرهنگ لغات یهودیان همدان

Pronunciation	تلفظ همدانی	English	فارسی
faäalegi	فعلگی	Labor work	کارگری
basu	بسو	It's enough	کافی است
Koshte- helak	کشته - هلاک	He/she killed	کشته
Kami sabr ker	کمی صبر کر	Wait a minute wait a little	کمی صبر کن
kamonche	کمونچه	Persian violin like instrument	کمانچه
Kam heyseleh	کم حیصله	Impatient	کم حوصله
Kam khov	کم خو	Insomnia, sleepless	کم خواب
Kam khini	کم خینی	Anemic, shortage of blood	کم خونی
kermo	کرمو	Person or thing infested with	کرمو
Ye chi buva ta delam va bu	یه چی بو اتا دلم وابو	Speak a little so I can up	کمی حرف بزن تا دلم باز شود
kare	کره	Butter	کره

فرهنگ لغات یهودیان همدان

ک

Pronunciation	تلفظ همدانی	English	فارسی
meli	ملی	Cat	گربه
melich	ملیچ	Sparrow	گنجشک
beshefte	بشگفته	He received it	گرفته
Gom karte	گم کرده	I've lost it	گم کرده ام
bemvat	بموات	I said	گفتم
beshat	بشات	He/she said	گفت
Beshvat bo	بشوات بو	He/she said it before	گفته بود
begandaye	بگندایه	Rotten, spoiled	گندیده
Dagha dagh	داغا داغ	In the heat of the moment	گرما گرم
dagh	داغ	Warm	گرم
Beshhesht dir	بشهشته دیر	Long ago	گذشته ها
Goshnegi goshne	گشنگی - گشنه	Hunger	گرسنگی
gorosne	گرسنه	Hungry	گرسنه
Ye vaghta	یه وقتا	Some times	گاهی

فرهنگ لغات یهودیان همدان

Prounciation	تلفظ همدانی	English	فارسی
geda	گدا	Beggar	گدا
gonde	گنده	Huge/large	گنده
beshgaza	بشگزا	It stang	گزید
gerye	گریه	cry	گریه
geli	گلی	Throat	گلو
avvon	آوون	Sin	گناه
gámabiye	گمایه	A person who is lost missing	گم شده
lalo	للو	Cradle	گهواره
Gire sar	گیره سر	Hear clip	گیره سر
Feraresh kerte	فرارش کرته	Fugitive	گریخته
beshgezaye	بشگزایه	Stunged	گزیده
Harf jian	حرف جین	Conversation	گفتگو
beshate	بشاته	He/she said	گفته
beshasht	بشهشت	Passed, left behind	گذشت

فرهنگ لغات یهودیان همدان

ل

Pronunciation	تلفظ همدانی	English	فارسی
lebas	لباس	Dress	لباس
lahaf	لحاف	Comforter, blanket	لحاف
laghat	لغت	Kick	لگد
Lahaf gasar	لحاف گسر	Small comforter	لحاف کوچک
li	لی	Lip	لب

فرهنگ لغات یهودیان همدان



Pronunciation	تلفظ همدانی	English	فارسی
dada	دادا	Mother, mon	مادر
Jan dada	جن دادا	Mother in law	مادرزن
reso	رسو	It will arrive	می رسد
vatam	واتم	We were saying	می گفتم
dadam	دادام	My mother , my mon	مادرم
vayan	وایان	I say	می گویم
goush	گوش	He/she wants	می خواهد
mourche	مورچه	Ant	مورچه
Ghabel-ghabil	قابل قبیل	Pretty, eute	مقبول
vatesh	واتش	He/she was saying	می گفت
Gis- mi	گیس ، می	Hair	مو
Mor mor	مور مور	Tingling senseition	مور مور

فرهنگ لغات یهودیان همدان

Pronunciation	تلفظ همدانی	English	فارسی
Mosh- mish	موش - میش	Mouse	موش
moshak	موشک	Rocket	موشک
miim	میم	Wax	موم
mahtou	مهتو	Moon light	مهتاب
Mohray gardan	مهرای گردن	Vertebraws of the neck	مهروه‌های گردن
Meimun-mobaràk	میمون، مبارک	Monkey	میمون
delvapàs	دل واپس	Anxious worried	مضطرب
modbagh	مدبق	Kitchen	مدبخ - آشپزخانه
guor	گور	Grave	مقبره
kamii	کمی	A portion, a bit	مقداری
man	مان	Me, I	من
mardune	مردونه	Masculine	مردانه
matalak	متلک	Verbal insud	متلک
kark	کرک	Chicken	مرغ
malham	ملهم	Healing cohpond applie	مرهم
ghorur	غرور	Hypocrite	غرور
pildar	پیلدار	Wealthy, rich	پولدار

فرهنگ لغات یهودیان همدان

Pronunciation	تلفظ همدانی	English	فارسی
mostaral	مستراح	Restroom	مستراح
Aymi daru	آیمی دارو	Inflvential	متنفذ
Pasbun- movazeb	پاسبون مواظب	A guard	محافظ
mohafezat	محافظت	To guard, to protcct	محافظت
ghors	قرص	Strong , firm	محکم
ghors ghors	قرص قرص	To double check	محکم کاری
penhuni	پنهونی	Secrety	مخفیانه
Daday mire	دادای میره	Mother in law (husband mom)	مادر شوهر
dadaei	دادائی	Motherly	مادری
mahi	ماهی	Fish	ماهی
maman	مامان	Mother, mom	مامان
bemunde	بمونده	remainder	مانده
mahiche	ماهیچه	Muscle	ماهیچه
Mahi tuve	ماهی تووه	Frying pan	ماهی تاوه
Mahi forush	ماهی فروش	Fishcrman	ماهی فروش
azadar	عزادار	A person who is grieving	ماتم دار
Ma beman khast	ما بمان خواست	We wanted	ما می خواستیم

فرهنگ لغات یهودیان همدان

Prounciation	تلفظ همدانی	English	فارسی
hama	هاما	Us , we	ماها
Dada merte	دادا مرته	Poor Gay	مادر مرده
Bem khast	بم خواست	I wanted	می خواستم
Maresh jiye	مارش جیه	Stung by a snake	مار زده
Maãlim bo	معلیم بو	Ii will turn out	معلوم میشه
Mish marte	میش مرته	A sneaky person	موش مرده
nezoonan shi hegiran	نزوانان شی هیگران	I don't know what to say	من نمی دانم چه بگیرم
shekhar	شخار	Alcoholic beverage, liguor	مشروب الکلی
mast	مست	Drunk	مست
mah	ماه	Moon	ماه
Motoajeb-taäjib	متعجب - تعجیب	prejuddice	متعجب
darash	داراش	Scrmon	موعظه
khashachi	خاشاچی	A little bit	مقدار کم
kohne	کهنه	Womout cloth	پارچه مستعمل
kin	کین	Anus, ass, butt	مقعد

فرهنگ لغات یهودیان همدان

Pronunciation	تلفظ همدانی	English	فارسی
Mana faramufh ker	مانا فراموش کر	Forget me	مرا فراموش کن
teva	توا	Pulpit	منبر
Gu dan beshim	گو دان بشیم	You want to go	می خواهید برویم
malundan	مالوندن	Massage	ماساژ
Gom ferar keram	گوم فرار کرام	I want to escape	من می خوام فرار کنم
paro	پرو	It flies	می پرد
Mosht jin	مشت جین	To punch, punching	مشت زدن

فرهنگ لغات یهودیان همدان

ن

Pronunciation	تلفظ همدانی	English	فارسی
nunva	نونوا	Beaker	نانوا
tame	تامه	Dirty – impure	نجس
henishte	هنیشته	He/she is seated	نشسته
Nazonan besham	نزونان بشام	I can't go	نمی توانم بروم
nasho	نشو	He/she doesn't go	نمی رود
Vash nemesht	واش نمشت	He/she wrote	نوشت
nevayid	نواييد - نوایدان	Don't say it	نگوئید
nane	ننه	Mommy	ننه
Nime joft	نیمه جفت	Half-open	نیمه باز
nepeteh	نپته	Uncooked	نا پخته
Nim shabi-nesfe shabi	نیم شبی نصف شبی	Mid night	نیمه شب
Mire dada	میره دادا	Step-father	ناپدری

فرهنگ لغات یهودیان همدان

Pronunciation	تلفظ همدانی	English	فارسی
naf	ناف	Belly button	ناف
Esm-noom	اسم - نوم	Name	نام
Jan baba (bale bum)	جن بابا (باله بوم)	Step-mother	نامادری
Nashi bom	نشی بوم	Ladder	نروبام
masa	مصا	Unleavened bread, (matzeh)	نان فطیر
nakhin	ناخین	Nail	ناخن
navi	ناوی	Prophet	نبی
nabire	نبیره	Great great grand child	نبیره
nakum	ناکوم	Someone who died suddenly	ناکام
dastgiran	دستگیران		نامزدی
avalzad	اول زاد	First born	نخست زاد
nazr	نذر	Pledge	نذر
taje Aris	تاجه آریس	New bride	نو عروس
Yeho betarsayahm	یهو بترسایام	Suddenly I got startled	ناگهان ترسیدم
kal	کال	Unripe	نارس
natars	نترس	Don't be afraid don't be scareed	نترس

فرهنگ لغات یهودیان همدان



Pronunciation	تلفظ همدانی	English	فارسی
hendine	هندینه	Watermelon	هندوانه
khoon sangi	خوین سنگی	Stone grinding	هاون سنگی
hafte	هفته	Week	هفته
haniz	هنیز	Wtil, yet	هنوز
Kareie ni	کاره ای نی	Unemployed	هیچکاره
Hichi nazunu	هیچی نزونو	He/she doesn't know anything	هیچی نمی داند
khovin	خوین	Grinding pot	هاون
Hava baroniyo	هوا بارونیو	It's rainy	هوا بارانی ست
Hava barfiyo	هوا برفیو	It's snowy	هوا برفی است
hamsaye	همسایه	Neighbor	همسایه
Havij-zardak	هویج - زردک	Carrot	هویج
Hargez-highvaght	هرگز هیچوقت	never	هرگز
Hich-hichvaght	هیچ - هیچوقت	Nothing	هیچ

فرهنگ لغات یهودیان همدان

Prounciation	تلفظ همدانی	English	فارسی
Har chi vayo pish yo	هر چی ووایو پیش یو	What ever he/she says will	هر چه می گوید پیش می آید
Har ru	هر رو	Every day	هر روز
kha	خا	Sister	همشیره
Hamin eiga(yana)	همین ایگا (یانا)	Rich here	همین جا

ی

Pronunciation	تلفظ همدانی	English	فارسی
Yadam bisho	یادم بیشو	I forgot	یادم رفت
Yadesh beshte	یادش بشته	He/she forgot	یادش رفته
Yadesh bar	یادش بار	Remind him rekind her	یادش بیار
Yadet nashu	یادت نشو	Don't forget	یادت نرود
Ye duke nun	یه دونه نون	A loaf of bread	یک دانه نان
Ye khashay	یه خاشای	A little, bit	یک کمی
Ye la ghàba	یه لا قبا	A person who one clothes	یک لا قبا
Ye ho	یه هو	Sadly	یکهو
Yeki yeki	یکی یکی	One by one	یکی یکی
yavash	یاواش	Slow	یواش
Ye laye	یه لایه	One layer	یک لایی
Yek shabat	یک شابات (شابات)	Sunday	یک شنبه

صرف افعال

Bem pechi- bem pokht	بم پچی - بم پخت	I cooked	من پختم
Bed pechi- bed pokht	بد پچی بد پخت	You cooked	تو پختی
besh pokht (pechi)	بش پخت	He/she cooked	او پخت
beman pokht (pechi)	بمان پخت (پچی)	We cooked	ما پختیم
bedan pokht (pechi)	بدان پخت (پچی)	You (pl) cooked	شما پختید
beshan pokht (pechi)	بشان پخت (پچی)	They cooked	آنها پختند

bem khund- man bem khond	بم خوند مان بم خوند	I read	من خواندم
Bed khund	بد خوند	You read	تو خواندی
Besh khund	بش خوند	He/she read	او خواند
Beman khund	بمان خوند	We read	ما خواندیم
Bedan khund	بدان خوند	You (pl) read	شما خواندید
Beshan khund	بشان خوند	They read	آنها خواندند

فرهنگ لغات یهودیان همدان

Man heigiran	مان هگیران	I bought	من خریدم
To heigiri	تو هگیری	You bought	تو خریدی
Uo heigiro	او هگیرو	He/she bought	او خرید
Ma heigirim	ما هگیریم	We bought	ما خریدیم
Shoma heigirid	شما هگیرید	You (pl) bought	شما خریدید
Uona heigirand	اونا هگیرند	They bought	آنها خریدند

Vam nevesht	وام نوشت	I wrote	نو شتم
Vad nevesht	واد نوشت	You wrote	نوشتی
Vash nevesht	واش نوشت	He/she wrote	نوشت
Heman nevesht	همان نوشت	We wrote	نوشتیم
Bedan nevesht	بدان نوشت	You (pl) wrote	نوشتید
neveshte	نوشته	The wrote	نوشته

Bem shost	بم شست	I washed	شستم
bed shost	بد شست	You washed	شستی
Besh shost	بش شست	He/she washed	شست
Beman shost	بمان شست	We washed	شستیم
Bedan shost	بدان شست	You (pl) washed	شستید
Beshan shost	بشان شست	They washed	شستند

فرهنگ لغات یهودیان همدان

Bem goft	بم گفت	I took	من گرفتم
Bed goft	بد گفت	You took	تو گرفتی
Besh goft	بش گفت	He/she took	او گرفت
Beman goft	بمان گفت	We took	ما گرفتیم
Bedan goft	بدان گفت	You (pl) took	شما گرفتید
Beshan goft	بشان گفت	They took	آنها گرفتند

man shum bekhorte	مان شوم بخورته	I had Dinnerl ate dinner	من شام خورده ام
to shum bed khorte	تو شوم بدخورته	You had dinner you at	تو شام خوده ای
Un shum besh khorte	اون شوم بشخورته	He/she had dinner he/she	او شام خورده
ma shum bema khorte	ماشوم بماخورته	We've had dinner	ما شام خورده ایم
Shoma shum bedan khorte	شما شوم بدان خورته	You (pl) had/ate dinner	شما شام خورده اید
Una shum beshan khorte	اونا شوم بشان خورته	The had or they ate dinner	آنها شام خورده اند

فرهنگ لغات یهودیان همدان

Dorvafte biyam – man bem khofte bo	در ورفته بیام مان بم خفته بو	I was sleeping	من خوابیده بودم
Dorvafte bi–bed khofte bo	دروفته بی بد خفته بو	You were sleeping	تو خوابیده بودی
Dorvafte bu– besh khofte bo	دروفته بو بش خفته بو	He/she was sleeping	او خوابیده بود
Dorvafte bim– beman khofte bo	دروفته بیم بمان خفته بو	We were sleeping	ما خوابیده بودیم
Dorvafte bid– bedan khofte bo	دروفته بید– بدان خفته بو	You (pl) were sleeping	شما خوابیده بودید
Dorvafte bodand – beshan khofte bo	دروفته بودند– بشان خفته بو	The were sleeping	آنها خوابیده بودند

beshatam	بشاتام	I went	من رفتم
beshti	بشتی	You went	تو رفتی
bisho	بیشو	He/she went	او رفت
beshtim	بشتیم	We went	ما رفتیم
beshtid	بشتید	You (?)went	شما رفتید
beshnand	بشتند	They went	آنها رفتند

فرهنگ لغات یهودیان همدان